

Journal of Imamiyyah Studies

Vol. 7, No. 14, March 2022

(DOI) 10.22034/jis.2021.243014.1548

A Study of the Poems of Sayyed Musa Taleghani, a Contemporary Iraqi Poet, in Praise of Imam Hosayn (AS)

Hediyeh Jahani^{*}

Shiwa Sadeghi^{**} **Ehsan Mostafapur**^{***}

(Received on: 2020-08-08; Accepted on: 2020-10-18)

Abstract

Along with the history of Shiism and the formation of political literature, lamentation on the sufferings of the Infallible Imams (AS) as one of the literary genres, has shown itself in the committed literature section. The uprising of Imam Hosayn (AS) and the incident of Ashura have caused many thinkers and talented people in the Islamic world to use their pens and imaginations in order to draw and introduce his uprising. Sayyed Musa Taleghani, one of the poets of Arabic literature in the nineteenth century, tried to perpetuate his ideological belief in the form of sorrow and imagination through artistic language. The present study, using a descriptive method, while examining his poems, seeks to answer the questions: what are the prominent themes of Hosayni's epic in the poetry of Musa Taleghani and which literary method did he use to properly reflect the character of Imam Hosayn (AS) and especially the events of Ashura? The research findings show that he used natural elements and heritage of the past to express his emotions and feelings.

Keywords: Sayyed Musa Taleghani, Imam Hosayn (AS), Shiite Poetry, Contemporary Iraqi Poetry.

* PhD in Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author), hediehjahani@razi.ac.ir.

** Assistant Professor, Department of Arabic Literature, Payame Noor University, Kermanshah, Iran, sh.sadeghi11@gmail.com.

*** Assistant Professor, Department of Culture and Media, Shahid Mahallati University, Qom, Iran, mostafapour1375@yahoo.com.

پژوهش‌نامه امامیه

«مقاله پژوهشی»

سال هفتم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۲۲۹-۲۵۴

بررسی اشعار سید موسی طالقانی، شاعر معاصر عراقی، در مدح امام حسین (علیه السلام)

* هدیه جهانی

*** شیوا صادقی احسان مصطفی پور

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷]

چکیده

همگام با سیر تاریخ تشیع و شکل‌گیری ادبیات سیاسی، مرثیه‌خوانی بر مصائب امامان معصوم (علیهم السلام) به عنوان یکی از گونه‌های ادبی، در این بخش از ادبیات متعهد، خودنمایی کرده است و قیام امام حسین (علیه السلام) و حادثه عاشورا موجب شده است بسیاری از اندیشمندان و صاحبان ذوق و قریحه دنیای اسلام، قلم و خیالشان را صرف ترسیم و معرفی قیام آن حضرت کنند. سید موسی طالقانی، یکی از شاعران ادب عربی در قرن نوزدهم، کوشیده است با زبان هنری، باور عقیدتی خود را در قالبی از اندوه و خیال، رنگ جاودانگی ببخشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی ضمن بررسی اشعار این شاعر در صدد پاسخ به این پرسش است که مضامین برجسته حماسه حسینی در شعر موسی طالقانی چیست و اصولاً وی به چه شیوه‌ای از موهبت‌های ادبی برای انعکاس تصویری شایسته از شخصیت امام حسین (علیه السلام) خصوصاً حوادث عاشورا، بهره گرفته است. نتیجه نهایی پژوهش نشان می‌دهد که او از عناصر طبیعی و میراث گذشتگان برای بیان عواطف و احساساتش بهره برده است.

کلیدواژه‌ها: سید موسی طالقانی، امام حسین (علیه السلام) شعر شیعه، شعر معاصر عراق.

* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)
hediehjahani@razi.ac.ir

** استادیار گروه ادبیات عرب، دانشگاه پیام نور، کرمانشاه، ایران Sh.sadeghi11@gmail.com

*** استادیار گروه فرهنگ و رسانه، دانشگاه شهید محلاتی، قم، ایران Mostafapour1375@yahoo.com

مقدمه

حادثه عاشورا و تأثیر فراوانش در ادب، نسبت به سایر حوادثی که ادبا و شاعران بدان توجه کرده‌اند، کم‌نظیر است. این حماسه، عواطف و احساسات را برمی‌افروزد و نتیجه‌اش بر جای ماندن آثاری است که در ادب و ادبیات در آن باب شاهدیم و به صورت شعر و نثر نمود پیدا کرده است:

هنگام مراجعه به میراث ادبی (عاشورا)، چه شعر و چه نثر، تألیفات بسیاری را می‌بینیم که شمارش‌پذیر نیستند. این میراث در نثر به کتاب‌های تاریخ و مقاتل خلاصه می‌شود که درباره اهل بیت (علیهم‌السلام) در کربلا با اسلوبی سراسر از درد و حسرت است (نورالدین، ۱۹۸۸: ۷۹-۸۰).

اما در زمینه شعر پژوهی وسیع داشته است، تا آنجا که شبر می‌گوید:

بشر از شاعرانش کسی را نمی‌شناسد که شعر گفته باشد و چیزی درباره حسین بن علی (علیهم‌السلام) نگفته باشد و اگر کسی بخواهد بین آنچه برای حسین (علیهم‌السلام) سروده شده با آنچه برای بزرگان دیگر سروده شده مقایسه کند، کفه حسین (علیهم‌السلام) بسیار سنگین‌تر خواهد بود (شبر، ۲۰۰۱: ۱۰/۱-۱۱).

حادثه عاشورا به سبب اهداف والای امام حسین (علیهم‌السلام) و شدت رنج و سختی ایشان، تأثیر بسزایی در دنیای ادب، به خصوص شعر، گذاشته است. شخصیت والای امام حسین (علیهم‌السلام) تمام مرزها را درنوردیده و شاعرانی را که برایش شعر سروده‌اند در زیر یک پرچم با نام «شاعر حسینی» جمع کرده است. یکی از این شاعران سید موسی طالقانی است که بخش اعظم اشعار مدح و رثایش را به امام حسین (علیهم‌السلام) و حوادث عاشورا اختصاص داده است.

مدح و ستایشگری یکی از صفات فطری و ذاتی انسان است. عموماً انگیزه انسان از ستایشگری را می‌توان در چهار عامل شیفتگی، سپاس‌گزاری، ترس و اکتساب ثروت خلاصه کرد (جمالی بهنام، ۱۳۸۰: ۳۳۳-۳۵۴). مدح اهل بیت (علیهم‌السلام) یکی از رایج‌ترین انواع مدح است و در طول قرون بعد از اسلام شاعران فراوانی آل بیت نبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را مدح کرده‌اند، اما در تشریح و توصیف ویژگی‌هایشان با یکدیگر متفاوت عمل کرده‌اند:

عده‌ای تحت تأثیر زمان و درگیری‌های موجود در جامعه و ترس از حاکمیت از مدح اهل بیت کوتاهی کرده‌اند و در روزگاری که ظالمان مدح می‌شدند محروم‌ماندن اهل بیت (علیهم‌السلام) ظلم مسجلی است که شاعران یا از ترس، یا به طمع، یا به فریب و یا علل دیگر در حق آنان روا داشته‌اند (امین مقدسی، ۱۳۸۰: ۲۲).

علاوه بر ستایش و مدح شخصیت‌های قدسی، یکی دیگر از موضوعات بارز در شعر عربی رثا و مرثیه است؛ شوقی ضیف می‌گوید:

وقتی شاعران برای کسانی که از دنیا رفته‌اند، گریه می‌کنند و در حقیقت نوعی گریه بر مرده است که در لغت معنای گریستن بر مرده و ذکر محامد وی و نوحه‌سرایی و تأسف از درگذشتش است و اصطلاحاً شعری است که در تعزیت یاران و بازماندگان و ذکر مصائب بزرگان دین و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، به ویژه حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) و دیگر شهدای کربلا، سروده شده است (شوقی ضیف، ۱۹۸۸: ۵؛ نک.: افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۶).

در این مقاله کوشیده‌ایم با روش توصیفی سیمای امام حسین (علیه‌السلام) در اشعار سید موسی طالقانی را بررسی کنیم. بر این مبنا، پرسش‌های اساسی این مقاله چنین است:

۱. طالقانی به چه شیوه‌هایی از موهبت‌های ادبی برای انعکاس تصویری شایسته از

شخصیت امام حسین (علیه‌السلام)، خصوصاً حماسه عاشورا، بهره گرفته است؟

۲. سید موسی طالقانی از کدام مضامین برای بیان حماسه عاشورا بهره گرفته است؟

۳. اسلوب شعری این شاعر در مداخل امام حسین (علیه‌السلام) به شیوه شعر کلاسیک بوده یا اینکه

اسلوب شعر نور برای ابراز احساس مذهبی و دینی خود برگزیده است؟

درباره امام حسین (علیه‌السلام) در آثار شاعران مقالاتی به چاپ رسیده است. مقاله «بررسی توصیفی و

تحلیلی امام حسین (علیه‌السلام) در شعر دینی احمد وائلی» (زینی‌وند و سلیمانی، ۱۳۹۰) برخی ویژگی‌های

امام حسین (علیه‌السلام) در اشعار وائلی را بررسی کرده و نشان داده است که وی امام حسین (علیه‌السلام) را عامل

بیداری ملت‌های ستم‌دیده و معیار تشخیص حق از باطل می‌داند؛ همچنین، مقاله «قیام امام

حسین (علیه‌السلام) و شعر نو ادبیات معاصر عربی» (میرزایی، ۱۳۸۳) قیام امام حسین (علیه‌السلام) در شعر شاعران

نوپرداز عرب را بررسی، و دیدگاه شاعرانی همچون احمد دحبور، امل دنقل، محمدعلی خفاجی،

قاسم حداد، مظفر نواب، عبدالرحمن شرقاوی، محمد عقیفی و آدونیس را درباره امام حسین (علیه‌السلام)

بیان می‌کند. مقاله «استدعاء شخصية الامام الحسين (علیه‌السلام) فی شعر یحیی السماوی» (بلاوی و آباد،

۱۳۹۲) به دنبال بررسی شخصیت امام حسین (علیه‌السلام) و دلالت‌های نمادینش در سه قصیده یحیی

سماوی است. مقاله «شخصیت نمادین امام حسین (علیه‌السلام) در شعر شریف مرتضی» (سیاوشی و

شکاری میر، ۱۳۹۱) واقعه عاشورا را در اشعار شریف مرتضی بررسی می‌کند و نمادهای فردی و

اجتماعی شخصیت امام حسین (علیه‌السلام) را در اشعار او به تصویر می‌کشد. اما بر اساس بررسی‌های

انجام‌شده، تاکنون پژوهشی درباره سیمای امام حسین (علیه‌السلام) در اشعار سید موسی طالقانی انجام

نشده است. لذا چون بیشتر اشعار مدح و رثای این شاعر به امام حسین (علیه السلام) اختصاص دارد، بررسی سیمای امام حسین (علیه السلام) در اشعار سید موسی طالقانی ضروری به نظر می‌رسد. روش پژوهش حاضر توصیفی است که برای تأیید فرضیه تحقیق پس از منبع‌شناسی، اطلاعات مد نظر گردآوری و تدوین شده است. نمونه‌های به‌دست‌آمده در بخش‌های مختلف این پژوهش فراوانند که برای جلوگیری از اطاله کلام به ذکر نمونه‌های اندکی اکتفا کرده‌ایم.

۱. معرفی سید موسی طالقانی

خانواده آل طالقانی از قدیمی‌ترین خانواده‌های نجف و ریشه‌دارترینشان در علم و بزرگی هستند. سید موسی طالقانی در سال ۱۸۱۴ در نجف اشرف متولد شد و در سال ۱۸۸۰ در بدره به دلیل طاعون درگذشت. وی از برجستگان علمای عراق و از شاعران مشهور این سرزمین در قرن گذشته و یکی از پرچمداران نهضت ادبی در عصر خویش است؛ «وی در تمام فنون شعر راه پیموده و در هر بابی نوآوری داشته و در بین همگانش از همه برجسته‌تر بود. نسبش به امام حسین (علیه السلام) می‌رسد» (نک: طالقانی، ۱۹۵۷: ۲۷). او عالمی بزرگ و فقیهی فاضل بود، و علاوه بر علوم عربی در کلاس‌های علوم دینی نیز حاضر می‌شد. علاقه شدیدش به علوم ادبی مانع از رسیدنش به مراتب عالی علوم دینی شد. لذا عمرش را در ادبیات و نظم شعر گذراند. از وی آثار فراوانی بر جای مانده، اما فقط دیوانش به دست ما رسیده است (نک: همان).

شعر طالقانی نمایانگر جایگاه علمی او است. برخی از معاصرانش، شاعربودنش را مانع از رسیدنش به فضیلت دانسته‌اند. اما طالقانی در مناسبات فراوانی این اتهام را رد می‌کند و فضایل و مناقبش را برای آنها برمی‌شمرد:

وَ لِيَأْمُ يَا بِنَ وَدَى جَحَدَت
شَمْسَ فَضْلِي لِلْبَرَايَا إِذْ بَدَت

(همان: ۲۷۵)

«ای پسر محبوبم! آنگاه که خورشید فضل من برای مردم آشکار شد، انسان‌های پست آن را انکار کردند».

گرچه انگیزه اصلی از مدح نزد اکثر شاعران میل رسیدن به ثروت یا مقام و شهرت و امتیازات مادی دیگر است، محل تأمل است که در دیوان طالقانی هیچ مدحی در باب عبدالحمید، خلیفه

هم‌عصرش، مشاهده نمی‌شود و این نشان از آگاهی و احساس مسئولیت موسی طالقانی دارد و نیز هوشیاری کاملش به استبداد و ظلمی است که جامعه‌اش را احاطه کرده است. همین باعث می‌شود موسی طالقانی از بسیاری از هم‌عصرانش، که یا غافل‌اند یا خود را به غفلت زده‌اند، متمایز باشد.

دوره عبدالحمید دوم در تاریخ امپراتوری عثمانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این دوره از یک سو مصادف است با اوج دوره تجزیه سرزمین‌های تحت حاکمیت عثمانی، و از دیگر سو عصر فعالیت جریان‌های مختلف فکری، سیاسی با گرایش‌های مختلف اعم از مشروطه‌خواه، اسلام‌گرا و طرفدار عثمانی است. عبدالحمید در عین حال از مقتدرترین پادشاهان عثمانی به حساب می‌آید که عصری را در تاریخ این امپراتوری با مشخصات خود اختصاص داده است. سرزمین عراق با مرکزیت بغداد به عنوان شرقی‌ترین ولایت امپراتوری عثمانی جمعیت اصلی اقلیت شیعه را به خود اختصاص داده بود و بدین دلیل همواره محل توجه پادشاهان عثمانی قرار گرفته بود و افزایش جمعیت شیعیان در این منطقه نگرانی عثمانی‌ها را افزون کرده بود (عرب‌خانی، ۱۳۹۱: ۴۲). سید موسی طالقانی یکی از این شیعیان بود که برای مبارزه با استبداد دوره حمیدی سلاحش شعرش بود. آقابزرگ تهرانی درباره‌اش می‌گوید: «او از مشاهیر عرب و از افاضل عراق بود. او عقیف و با کرامت نفس بود، کسی را مدح نکرد و در شعرش ثروتمندان و صاحبان مقام را تملق نکرد و آنچه در مدح و تهنیت گفته برای نزدیکانش و دوستانش بوده است» (طالقانی، ۱۹۵۷: ۴۳). سید موسی طالقانی شعر را وسیله کسب و درآمد قرار نداد و از ثروت مردم بی‌نیاز بود و این ویژگی او را از سایر هم‌عصرانش متمایز می‌کرد؛ «شعر در نزدش فیض نفسی و بهره روحی بود» (خیاط، ۱۹۸۷: ۲۳).

سابقه مدح در ادب عربی به دوران جاهلیت برمی‌گردد، پس از بعثت پیامبر اسلام ﷺ مدح ایشان و سپس مدح خلفا رواج یافت و در عصر اموی مدیحه‌سرایی به اوج رسید، چراکه خلفای اموی برای تثبیت موقعیت و مشروعیت بخشیدن به خلافتشان از شاعران نیز می‌خواستند آنان را مدح کنند. این فن شعری در دوره عباسی چنان شایع شد که یکی از ویژگی‌های آن دوره شناخته می‌شود و این شیوه شعری هنوز هم ادامه دارد.

از وی دیوانی برجای مانده است که ۴۳۴ صفحه است و شامل مدایح، مراثی، وجدانیات، تهانی، موشحات، حماسیات، تخمیس و تشطیر، مراسلات، اخوانیات و در نهایت متفرقات است و فقط یک بار در نجف به همت انتشارات مطبعة الغری الحدیثة در سال ۱۹۵۷ به چاپ رسیده است؛ محمدحسن آل طالقانی نیز مقدمه‌ای ۷۸ صفحه‌ای بر این دیوان نگاشته است.

۲. ویژگی‌های شعر طالقانی و تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌های وی

اگر به تاریخ شعرا نگاهی بیندازیم متوجه می‌شویم که هر کدام از آنها در شعر یا موضوعی نوآوردند و گاه صاحب سبک و نام؛ مثلاً عمر بن ابی‌ربیع در غزل نام‌آور است، جمیل بثینه در عشق، فرزددق در هجو، متنبی در فخر، ابوتمام و بحتری در وصف، اخطل و ابونواس در خمر، ابوالعلاء المعری در فلسفه و اما سید موسی طالقانی همه این نواحی از شعر را در دیوانش دارد و در تمامشان نیکو شعر گفته است، تا آنجا که درباره‌اش گفته‌اند: «هیچ فنی از شعر نبوده مگر آنکه طالقانی در آن فن سنگ تمام گذاشته باشد. شعرش تاریخی صادق از زندگی خود و معاصرانش است» (آل طالقانی، ۱۹۵۷: ۵۶). وقتی شعر می‌گوید برای آرامش روح شعر می‌گوید. به همین دلیل اکثر اشعارش غزل است تا روحش آرام شود. او هم در نظم و هم در نثر دستی بر آتش داشت، اما اشعارش موجب شهرتش شد و در این زمینه شاگردانی را نیز پرورش داد (نک: سید مشکور، بی‌تا: ۶۵).

سید موسی طالقانی در میان شعرای پیش از خود بیشترین تأثیر را از شریف رضی^۱ گرفته است. وی رابطه‌ای محکم با ذکاوت شریف رضی دارد و شریف تأثیر قوی بر روح و شاعریت جوشان او گذاشته است، چراکه طالقانی شریف رضی را با پژوهشی تحلیلی بررسی کرده، و اکثر اشعارش را خواننده و از معانی شعر او استفاده کرده و آنها را در اشعارش به کار برده است. مثلاً شریف رضی می‌گوید:

أترانی الذماء ولما یرو من مهجة الامام الغلیل؟

(شریف رضی، ۱۹۹۹: ۱۶۴)

«آیا من باید از آب لذت ببرم در حالی که امام تشنه از آن سیراب نشد؟».

طالقانی می‌گوید:

لم تذق للماء طعماً بی أفدیک فهل یهنيء الماء ولم یبلل به منک الفؤاد؟

(طالقانی، ۱۹۵۷: ۵۴)

«طعم آب را نچشیدی فدایت شوم. پس آیا آب گوارا باشد در حالی که دل تو را خنک نکرد؟».

هر دو شاعر باهوش و قوی هستند، هر دو در غزل نوآور و عقیف‌النفس‌اند، هر دو شعر را وسیله‌ای برای کسب و کار قرار نمی‌دهند، هر دو فقیه و عالم‌اند، باتقوا و پرهیزکارند و جاه و مال دارند. موسی طالقانی مقام و شأنی عالی و احترام بسیار دارد و نزد مردان دینی و سایر بزرگان سرزمینش علاوه بر جایگاه علمی و ادبی، از حسب و نسب، شهرت خانوادگی، پاکی روح، حسن سیرت، مکارم اخلاق و... برخوردار، و نزد همگان محترم است.

طبق بررسی‌های انجام‌شده، سید محمد سعید الحبوبی، از شاعران برجسته و طراز اول هم‌عصر طالقانی، بیشترین وام‌گیری شعری را از سید موسی طالقانی داشته است، به حدی که خواننده نمی‌تواند بین شعر او و طالقانی، مخصوصاً در اشعار موشحات، تمیز قائل شود (آل طالقانی، ۱۹۵۷: ۴۲). اما طالقانی خود را از حبوبی برتر می‌داند. اگر دیوان طالقانی را ورق بزنیم متوجه می‌شویم که وی خود را رهبر ادبی مطلق عصر خود می‌داند و ایمان دارد که از همه شعرای هم‌عصرش برتر است، و هیچ‌کس را هم طراز خود نمی‌بیند. مثلاً در قصیده‌ای حبوبی را عتاب می‌کند و خود را برتر از او می‌داند:

أنا وإياكم لمن دوحه العلی	و کم لغصون الفضل من ثمر عندی
ورثنا المعالی من عظام عراعر	و لولاکم قد کنت وراثها وحدی
ملکت زمام الفضل طفلاً و یافعاً	و لم أرض لولاکم بشبه و لاند

من و شما از یک ریشه (یک درخت) هستیم و چه بسیار شاخه‌ها و میوه‌هایش نزد من است.

از یک درخت بزرگ ارث بردیم که اگر شما نبودید فقط من وارثش می‌بودم.
من افسار فضل و برتری را در دست گرفتم، در حالی که کودک و نوجوان بودم و در حالی که همتایی نداشتم (تو همتای من نیستی) شیر نوشیدم.

نه تنها خود شاعر بلکه وزرا و بزرگان مملکت نیز شعر او را گرامی می‌داشتند و به او احترام می‌گذاشتند، شاید چون طالقانی شعرش را فقط برای اهل آن سروده، و به اهلش تقدیم کرده است (آل طالقانی، ۱۹۵۷: ۶۷).

۳. سیمای امام حسین (علیه السلام) در شعر سید موسی طالقانی

مدح و رثای امام حسین (علیه السلام) یکی از پربسامدترین مباحث مدح و رثا در دیوان سید موسی طالقانی است. وی در این گونه اشعارش با زبانی کاملاً عاطفی مظلومیت امام را بیان، و مصائبی را که بر او و خانواده اش پیش می آید مطرح می کند. طالقانی از نوادگان امام حسین (علیه السلام) بود. این مسئله در استفاده از زبان عاطفی اش بی تأثیر نبوده است، تا آنجا که در پاره ای از ابیات، خود را به صفت (نوه امام) توصیف می کند که این ویژگی اش را در اشعارش بیان کرده و در بیان غم و اندوهش خود را بدین نام می خواند که وی سید و از نوادگان امام حسین (علیه السلام) است. همچنین، نمونه های دیگری نیز وجود دارد، نظیر:

نَجَلِكُمْ (موسی) لَمْ يَزَلْ يَرِثِيكَ حَتَّى تَصْبِحَ أَعْضَاهُ بِشُرْبِ الْقَبْرِ شَتَّى

(طالقانی، ۱۹۵۷: ۶۷)

«موسی نوهات همواره مرثیه گوی تو است، تا آنجا که اعضای بدن او با خاک قبر پراکنده شود».

علاوه بر این، زبان عاطفی وی به حدی است که با مدد عنصر شعری تشخیص، پدیده های طبیعی را نیز عزادار غم و اندوه امام حسین (علیه السلام) می داند و می گوید آنان در همدردی با خاندان نبوت مشارکت داشته اند. در علت یابی این پدیده می توان دو گونه فرض محتمل را مطرح کرد: یا وی برای آنکه فراتر از عنصر عاطفه و خیال برود خود را به این وادی کشانده است که ناگزیر، از این گونه عناصر در سروده هایش استفاده می کند، یا جهان شمولی این اتفاق را این گونه بر زبان جاری می کند. یکی از ویژگی های اشعارش این است که برای بیان حادثه کربلا در برخی از ابیاتش گویی به شیوه شاعران جاهلی، مقدم های تغزلی به سبک آنها در مطلع اشعارش ذکر می کند، با این تفاوت که شاعران جاهلی، از جمله امری القیس، اشعارشان را بر ایستادن بر اطلال و دمن آغاز می کنند و دوستانشان آنان را به صبر دعوت می کنند:

فَمَا نَبِكَ مِنْ ذِكْرِي حَبِيبٍ وَ مَنْزِلٍ بِسِقْطِ اللَّوِيِّ بَيْنَ الدَّخُولِ فَحَوْمَلٍ
... وَ قَوْفًا بِهَا صَحْبِي عَلَى مَطِيئِهِمْ يَقُولُونَ لَا تَهْلِكِ أَسَى وَ تَجَمَّلِ

(امرئ القیس، ۲۰۰۴: ۲۱ و ۲۳)

همسفران بایستید تا به یاد یاری گریه کنیم که منزل او در ریگزار باریک و کج واقع در این چهار محل (دخول و غیره) بوده و هنوز آثارش باقی است. رفقا و همراهانم شتران مرکوب خود را بالای سر من نگه داشته بودند و مرا دلداری می‌دادند و می‌گفتند: از غصه خود را هلاک مکن و شکیب باش. آنگاه که سید موسی طالقانی به رسم ادبیات کهن بر اطلال و دمن^۲ کربلا می‌ایستد، کسی نمی‌تواند داغ دل و شدت اندوهش را بکاهد و نقش دوستان در اینجا کم‌رنگ می‌شود:

وَقَفْتُ فِي الْأَطْلَالِ وَفَقَّةً نَاشِدٍ
وَلَهَنٌ مِنْ حُلْلِ الْبِلَى جِلْبَابٍ
وَدَعْوَتْ حَادِي الْعَيْسِ: تَلْكَ
ذَابَ الْجَمَادُ لَهَا وَشَابَ غُرَابٍ
قَفْرِي فَأَيْنَ تَحْمَلُ الْأَحْبَابُ؟

(همان: ۴۸)

در اطلال و دمن همچون فرد سراینده‌ای ایستادم، به طوری که جمادات از شدت اندوه ذوب شدند و کلاغ سیاه از شدت مصیبت پرهایش سفید شد. آثار به‌جای مانده از محبوب به وسیله بادهای وزنده همچون پوششی حفظ می‌شود. و این آثار تن‌پوشی از پوسیدگی بر تن دارند. ساریان شترها را فراخواندم و گفتم: آنجا جایگاه باقی مانده آنان است که خالی از سکنه شده است. پس تحمل دوستان کجا است؟

۴. بررسی تحلیلی موضوع

مضامین شعر عاشورایی سید موسی طالقانی درباره امام حسین (علیه السلام) انواع مختلفی دارد؛ گاه شیوه کهن گذشتگان را می‌پیماید و گاه مسیری تازه می‌آفریند. در ادامه، نُه دسته از اشعار او در بیان حوادث روز عاشورا و معرفی امام حسین (علیه السلام) را مطرح می‌کنیم.

۴.۱. ویژگی‌های فردی امام حسین (علیه السلام)

ذکر ویژگی‌های فردی امام حسین (علیه السلام) یکی از روش‌های سید موسی طالقانی برای بیان مدح و رثا است؛ در این بخش به برخی از آنها از جمله مقام عالی امام حسین (علیه السلام)، وصف شجاعت و

قهرمانی امام و یارانش، نسب و خصلت‌های برجسته امام حسین (علیه السلام) اشاره می‌کنیم. سید موسی طالقانی مقام امام حسین (علیه السلام) را چنان والا می‌داند که اوج این ازادت را گاه تا حد پرستش و گونه‌ای از شرک لحاظ می‌کند و می‌گوید فکر نمی‌کردم بعد از اسلام روزی بت پرست شوم. وی امام (علیه السلام) را «عروة الله» می‌نامد و او را بهترین شخص بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نور خدا در زمین و چراغ هدایت می‌داند:

مَا خِلْتُ بَعْدَ الْإِسْلَامِ يَخْدَعُنِي شوقی يوماً فأعبدُ الصَّنَمَا

(همان: ۱۱)

«گمان نمی‌کردم بعد از اسلام مرا بفریبد و بت پرست شوم».

عُرْوَةُ اللَّهِ الَّتِي لَيْسَ لَهَا يَخْشَى انْفِصَامَ فِيهَا اسْتَمْسَكَ وَدَعَّ عَنْكَ عِنَادَ الْمُلْحِدِينَ

(همان: ۶۳)

«او دستگیره ناگسستی هدایت الاهی است. پس به آن چنگ بزن و مخالفت ملحدان را درباره او رها کن».

طالقانی در ابیات فراوانی به صفات نیکو و پسندیده امام حسین (علیه السلام) از جمله شجاعت، قهرمانی، جنگاوری، عبادت، بزرگی، کمال و محترم بودن ایشان اشاره می‌کند:

بَطْلٌ يَنْكُرُهُ الْغِبَاؤُ وَ عَابِدٌ مَا أَنْكَرْتَهُ الْحَرْبُ وَالْمَحْرَابُ
شَهْبٌ تَضِيءُ بِهَا الْمَحَارِبُ فِي الدُّجَى وَ هُمُو لِأَبْطَالِ الْحُرُوبِ شَهَابٌ

(همان: ۴۹)

«قهرمانی است که غبار گمنامی بر او نمی‌نشیند و عابدی است که جنگ و محراب او را می‌شناسند».

آنها شهاب‌هایی هستند که با نورشان تاریکی محراب‌ها روشن می‌شود و هم آنها برای قهرمانان جنگ به منزله شهاب هدایت‌اند».

فَرَّتْ الْأَرْوَاحُ مِنْ أَجْسَادِهَا حِينَ رَوَى الْبَيْضَ مِنْ أَجْنَادِهَا

(همان: ۵۵)

«آنگاه که شمشیر را از سربازانشان سیراب کرد، جان‌ها از جسم‌ها گریختند».

بسیاری از ابیات این سرایشگر به نسب والای امام حسین (علیه السلام) اشاره می‌کند و مقام عالی ایشان را شایسته ستایش می‌داند و حتی او را پادشاهی می‌داند که پادشاهان دیگر و فرشتگان خدمت‌گزار اویند:

بأبي خيرُ البرايا نسباً بأبي خامسُ أصحابِ العبا
بأبي من علمَ الأسدِ الابا بأبي ليثُ الوغى صعبُ القياد

(همان: ۵۶)

پدرم فدای کسی که بهترین نسب را در بین مردم دارد، پدرم فدای کسی که پنجمین نفر آل عبا است.

پدرم فدای کسی که به شیر، سرافرازی را آموخت. پدرم فدای کسی که شیر میدان جنگ و تسلیم‌ناپذیر است.

قَدْ قَضَى مَنْ كَانَ رَوْحُ الْمُصْطَفَى فَعَلَى الدُّنْيَا وَ أَهْلِهَا الْعَفَا

(همان: ۵۴)

«کسی از دنیا رفت که روح مصطفی بود. بنابراین پس از آنها، خاک بر سر دنیا و اهل دنیا».

قَدْ كَانَ شِبْلاً لَعَلَى الطَّهْرِ وَ ابْنَا لَخَيْرٍ مَن فَوْقَ الثَّرَى إِنْسَاءً وَ جِنَا

(همان: ۶۵)

«او بچه شیر علی پاک و پسر بالاترین شخص از انس و جن در روی زمین است».

خيرُ البريا أمأً و أبأً و جدأً و مَن لَهُ جبريلُ في المهدِ ناغاه

(همان: ۶۷)

بررسی اشعار سید موسی طالقانی، شاعر معاصر عراقی، در ... / ۲۴۱

«او بهترین مردم از نظر پدر و مادر و پدربزرگ است و کسی است که در گهواره جبرئیل با او سخن گفت.»

ملکٌ تُذِلُّ الملوکَ حینَ تری
أصبحْتُ فیهِ و فی أیه و فی
الأملاکَ طراً یبایه خدما
أخیه دونَ الأنامِ مُعَصِما

(همان: ۱۳)

«پادشاهی است که پادشاهان دیگر را ذلیل می‌کند هنگامی که می‌بینند فرشتگان خدمتکار اویند.

من به او و پدرش و برادرش چنگ می‌زنم، و نه به دیگران.»

۲.۴. غم و اندوه عناصر طبیعت در مصیبت واردشده بر امام حسین (علیه السلام)

استفاده از عناصر طبیعی محیط پیرامون یکی از شیوه‌هایی است که این ستایشگر حسینی برای غنای مدایحش به کار گرفته است. از این‌رو، طبیعت جایگاه ویژه‌ای در اشعار سید موسی طالقانی، مخصوصاً اشعار مدح و رثایش، دارد. او از طریق ارتباط ذهنی که با طبیعت برقرار کرده، همدردی طبیعت با خاندان اهل بیت را بیان کرده است؛ دفن امام به وسیله باد، گریه آسمان، خورشید و ماه گرفتگی به دلیل شهادت امام حسین (علیه السلام) برخی از نمونه‌های همدردی عناصر طبیعت با خاندان اهل بیت است که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم. سید موسی طالقانی در تخیل شعری‌اش باور دارد که عناصر طبیعت به یاری امام حسین (علیه السلام) آمده‌اند و حتی این عنصرهای طبیعی برای امام (علیه السلام) ناراحت و محزون شده‌اند. یکی از این عناصر «باد» است. شاعر می‌گوید پیکر مقدس آن حضرت را که بر خاک افتاده، باد پوشانده است:

بأبی الثَّأوی عَلی حُرِّ الرُّبى
قَدْ تَوَلَّتْ دَفْنُهُ ریحُ الصَّبَا

(همان: ۵۶)

«پدر مرثیه‌گو به فدای آزاده صحرا که باد عهده‌دار دفنش شد.»

وَاطْرِيحًا بِالْعَرَىٰ أَكْفَأُنْهُ نَسِجَ الرِّيحِ وَاطْرِيحًا بِالْعَرَىٰ أَكْفَأُنْهُ نَسِجَ الرِّيحِ

(همان: ۶۱)

«وای از کشته‌شده‌ای که زخم‌ها به جای آب با خون، او را شستند. وای از برخاک‌افتاده‌ای که کفن او بافت بادها است.»

یکی از پدیده‌هایی که در اشعار سید موسی طالقانی در رثای امام حسین (علیه‌السلام) به چشم می‌خورد، گریستن آسمان به عنوان جایگاهی بلندمرتبه است. در اینجا به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

يَا قَتِيلًا زَلَزَلَ الْعَرْشَ فَمَادَ وَبَكَتْ حُزْنًا لَهُ السَّيْعُ الشَّدَادِ

(همان: ۵۴)

«ای کشته‌ای که عرش را لرزاند و به دنبال آن عرش متزلزل گشت و هفت آسمان محکم هم از اندوه بر او گریست.»

بیت مذکور به آیه ۱۲ از سوره نبا اشاره دارد: «وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا»؛ «و بر بالای سر شما هفت آسمان محکم و استوار بنا نمودیم» (نبا: ۱۲).

يَا غَرِيبًا يَنْعَىٰ لَهُ جِبْرَيْلُ وَشَهِيدًا يَبْكِيهِ عَرْشُ الْجَلِيلِ

(همان: ۵۸)

«ای غریبی که جبرئیل برایش ناله سر می‌دهد و ای شهیدی که عرش بلندمرتبه بر تو می‌گرید.»
خورشید و ماه از عناصر دیگری است که به نشانه ماتم برای امام حسین (علیه‌السلام) در اشعار طالقانی خودنمایی می‌کند:

قَدْ كَسَا شَمْسُ الضُّحَىٰ بَرْدَ الْكُسُوفِ وَارْتَدَى الْبَدْرَ عَلَيْهِ بِالسُّوَادِ

(همان: ۵۵)

«خورشید تابناک روز، لباس کسوف، و ماه شب چهارده لباس سیاه بر تن کرد.»

۳. ۴. بیان مصیبت بر اسلام و اندوه پیامبران و فرشتگان

استفاده از عناصر دنیای قدسی همچون اسلام، فرشتگان و پیامبران برای بیان عمق فاجعه یکی دیگر از شیوه‌های بیان سید موسی طالقانی برای نشان دادن غم و اندوه در این حماسه است. در این بخش به پاره‌ای از این ابیات اشاره می‌کنیم. وی هیچ مصیبتی را بزرگ‌تر از حادثه «شهادت امام حسین (علیه السلام)» نمی‌داند که به سببش اسلام لباس سیاه پوشید و بر فرق هدایت نیز خاک پاشیده شد:

أی رزءٍ و مصابٍ أحزنا
و کسا الاسلام أبرد الصننا
فاطمَ الطَّهرِ و أبکی الحسننا
و علی فریق الهدی ذرَّ الرماد

(همان: ۵۴)

«کدام مصیبت و حادثه فاطمه پاکدامن را بیشتر از این حادثه ناراحت کرده، و حسن را گریانده است؟»

اسلام لباس سیاه پوشید و بر سر هدایت خاکستر پاشیده شد». شاعر در بسیاری از ابیاتش برای بیان غم‌انگیز بودن حادثه کربلا تأثیر غم‌انگیز این حماسه بر اولیا و انبیای الهی را مطرح می‌کند:

یا فقیداً أصبحت تبکی دماً
فقدت الرُّسلُ و أملاکُ السَّما

(همان: ۵۶)

«ای از دست‌رفته‌ای که فقدان تو پیامبران و ملائکه آسمان را به خون‌گریستن واداشت».

یا لرزءٍ حلَّ فی آلِ النِّبیِ المصطَفی
و عداً فیهِ کلیمُ اللهِ یبکی أسفاً
ناح نوحٍ فیهِ من قَبْلِ و شمعونُ الصَّفنا
مثلَ ما أحزنَ إبراهیمَ شیخَ المرسلین

(همان: ۶۴)

«وای از مصیبتی که بر خاندان مصطفی وارد شده که از قبل نوح و شمعون صفا بر آن گریستند. موسی کلیم‌الله با غم بر آن گریست، چون غمی که ابراهیم شیخ مرسلین را ناراحت کرد».

۴.۴. عزاداری شاعر در غم واردشده بر امام حسین (علیه السلام)

شدت اندوه سید موسی طالقانی برای غم و اندوه امام حسین (علیه السلام) به حدی است که می‌گوید تمام عمرم لباس سیاه بر تن دارم، خون می‌گیرم و تا روز قیامت عزادارم. این معانی در اشعارش با لفظ «نجلک: نوه تو» همواره بیان می‌شود که خود نمودی از عاطفه شدید شاعر است. او همواره غمگین است و برای این غم لباس سیاه پوشیده است:

لَمْ يَزَلْ نَجْلُكَ مُوسَى فَيَكُ يُدِي الْحَزْنَآ لَابِسًا ثَوْبًا مُصَابٍ وَ سَقَامٍ وَصَنآ

(همان: ۶۵)

«همواره نوه تو «موسی» در غم تو ابراز حزن می‌کند یا (محزون است) در حالی که لباس سیاه مصیبت و درد و غم پوشیده است».

سید موسی طالقانی شدت گریه را با گریستن خون نشان می‌دهد:

و صَبَعْتُ خَدَيْهَا بِحَمْرَةٍ أَدْمَعٍ فِيهَا لِعَاطِشَةِ الرِّيَاضِ شَرَابٌ

(همان: ۴۸)

«گونه‌های او (اطلال و دمن) را با اشک‌های خونینی رنگ زدم که برای باغ تشنه (بهشت)، شراب است».

در جایی دیگر می‌گوید:

نَجَلُكَ الْمُنْذَبُ مُوسَى قَدْ أَقَامَ مَأْتَمًا يَبْقَى إِلَى يَوْمِ الْقِيَامِ

(همان: ۵۶)

«نوه گناهکار تو موسی [مقصود خود شاعر یعنی موسی طالقانی است] سوگواری ای برپا کرده است که تا روز قیامت پابرجا است».

۴.۵. بازتاب معنوی عشق به امام حسین (علیه السلام) و شهادت ایشان

این شاعر معتقد است عشق و علاقه به امام حسین (علیه السلام)، بازتاب‌های معنوی گسترده‌ای دارد؛ از جمله اینکه توشه آخرت است و با شهادت ایشان گویی شادی نیز به قتل رسیده است و بازتاب

معنوی شهادت ایشان استحکام دین است. در بسیاری از ابیات سید موسی طالقانی شاهد این مفهوم هستیم که وی امام حسین (علیه السلام) و عشق به خانواده بزرگوارش را توشه و ذخیره آخرتش می‌داند:

لَيْسَ لِي إِلَّا وَلَاكُمْ يَا بَنِي أَحْمَدِ زَادٍ وَ كَفَانِي حُبُّكُمْ زَادًا وَ ذُخْرًا لِلْمَعَادِ
فَعَلَيْكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ يَا خَيْرَ الْعِبَادِ يَا وِلَاةَ الْحَقِّ مَلْجَأَ الْخَلْقِ مَنْجِي

(همان: ۶۵)

ای فرزندان احمد! من جز عشق شما توشه‌ای ندارم و عشق شما به عنوان ذخیره معاد برایم کافی است.
پس درود خداوند بر شما باد ای بهترین بندگان خدا! ای محبوبان حق! پناهگاهان مردم و پناه وحشت‌زدگان.

يَا آلَ طَهٍ مَالِي مَلْجَأٌ سِوَاكُمْ وَ لَيْسَ لِي مِنْ زَادٍ إِلَّا وَلَاكُمْ
وَ اللَّهُ يَدْرِي إِنِّي عَلَى هُدَاكُمْ لَمْ أَنْقُضِ الْعَهْدَ الَّذِي أَحْكَمَهُ اللَّهُ

(همان: ۶۷)

«ای آل طهاها! جز شما پناهی ندارم و توشه‌ای جز عشق شما ندارم.
و خدا می‌داند که من بر راه راست شما هستم و عهدی را که خداوند محکم کرده نقض نمی‌کنم».
او شهادت امام حسین (علیه السلام) را زمینه‌ساز هدایت، و کشته شدن ایشان را چون بارانی می‌داند که زمین تشنه را سیراب می‌کند:

بِأَبِي مَنْ سَيِّدُوا بِالسَّيْفِ أَرْكَانَ الْهُدَى لَهُمْ يَا لَيْتِي فِي الطَّفِّ قَدْ كُنْتُ فِدَى

(همان: ۶۴)

«پدرم فدای کسانی که با شمشیر پایه‌های هدایت را پی‌ریزی کردند، ای کاش در صحرای کربلا فدای ایشان می‌شدم».

بأبي المَقْتُولِ عَطْشَانًا وَ مِنْ بَحْرِ نَدَاهِ يَسْتَمِدُّ الْغَيْثُ جُودًا وَ بِهِ يَحْيَى الْإِنَامُ

(همان: ۶۱)

«پدرم فدای آن شهید تشنه‌ای که دریای بخشش باران را یاری می‌رساند و آدمیان به مدد او زنده‌اند».

غم بزرگی که در روز عاشورا بر خاندان پیامبر وارد شد از نظر شاعر تمام شادی را با خود برده است:

لَا هَنَا الْمَاءُ وَلَا الْعَيْشُ صَفَا بَعْدَ سِبْطِ الْمُصْطَفَى خَيْرِ الْعِبَادِ

(همان: ۵۴)

«بعد از نوه بهترین بنده خدا نه آب، گوارا باد و نه زندگی باصفا است».

۴.۶. مصائب واردشده بر امام حسین (علیه السلام)

شاعر در بسیاری از ابیاتش مصائب و مشکلاتی را بیان می‌کند که برای امام حسین (علیه السلام) پیش آمده است؛ از جمله بر سر نیزه کردن سر امام و تازاندن اسب بر پیکر مقدسشان، تشنه‌لب‌بودن، بی‌غسل‌بودن، اسارت و آواره‌شدن اهل بیت امام (علیه السلام) که به نوعی گزارشی تاریخی است و شاعر با لحنی عاطفی آن را بیان می‌کند. یکی از اتفاقات ناگواری که برای امام حسین (علیه السلام) پیش آمده است بر نیزه شدن سر آن بزرگوار و تازاندن اسب بر پیکر مقدسش است که طالقانی در شعرش بدان اشاره می‌کند. در اینجا به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

بأبي أهدى صَريعاً تَسْلُبُ الْقَوْمُ رِدَاهُ بأبي مَنْ فَوْقَ أَشْلَاهِ عَدَتِ حَيْلُ عُدَاهِ

(همان: ۶۱)

«پدرم فدای بر خاک افتاده‌ای که مردم لباسش را دزدیدند؛ پدرم فدای کسی که اسبان دشمنان بر پیکر پاره‌پاره‌اش دویدند».

سید موسی طالقانی در ابیات فراوانی به تشنه‌لب‌بودن امام حسین (علیه السلام) اشاره می‌کند، از جمله:

بررسی اشعار سید موسی طالقانی، شاعر معاصر عراقی، در ... / ۲۴۷

بأبي المقتول عطشاناً و في كِلتا يديه بحرُ جودٍ و نوالٍ و فاضَ منه كُـلُّ واد

(همان: ۵۴)

«پدرم فدای کشته شده تشنه لبی باد که دریای بخشش و بزرگی در هر دو دستش بود و هر سرزمینی از آن لبریز شد».

سید موسی طالقانی زمانی که شهادت امام حسین (علیه السلام) را بیان می کند، بی غسل و کفن بودنشان را نیز به تصویر می کشد و می گوید پیکر او را شمشیرها با خون شستند:

غَسَّلت أعضاه ببيض الصَّفاح مین دم الأوداج عن ماء القَراح

(همان: ۵۶)

«شمشیرهای تیز با خون رگ گردن و با آبی پاک و زلال اعضای پیکر او را شستند».

از ابیات حزن انگیز سید موسی طالقانی بیان آوارگی اهل بیت نبوت است:

هل نسيت السَّبَطَ يابنَ المصطفى يومَ الطُفوف؟ يَشْتكى حَرَّ الظَّمَا مَا بَيْنَ هَاتِيكَ الصُّفوف
جَرَّعوه عَن لَذِيذِ المَاءِ كاساتِ الحُتوفِ ثَمَّ داروا بِبِناتِ المصطفى كُـلَّ بلاد

(همان: ۵۱)

ای پسر رسول خدا! آیا فرزندان دختر را در صحرای کربلا فراموش کرده ای، که در بین آن صف ها از گرمای تشنگی شکایت می کنند.

به جای آب جام های مرگ را به او نوشاندند، سپس دختران رسول خدا را در تمام سرزمین ها گرداندند.

۴. ۷. ایستادن بر اطلال و دمن و خطاب کردن امام حسین (علیه السلام)

در بررسی پاره ای از اشعار طالقانی یکی از مهم ترین نکاتی که چشم را می نوازد، توصیف زنده صحنه ها است؛ گویی شاعر حوادث کربلا را در مقابل چشمانش دیده است و نمی تواند تحت تأثیر قرار نگیرد و وقتی امام حسین (علیه السلام) را خطاب می کند، مخاطب احساس می کند او در مقابل پیکر امام حسین (علیه السلام) ایستاده است و با او سخن می گوید. حتی در گذرش بر اطلال و دمن کربلا، از

مفاهیم گذشتگان به گونه‌ای دیگر استفاده می‌کند و می‌گوید هیچ کس را توان دیدن و نگرستن نیست.

بهره‌گیری از اسلوب ندا یکی از شیوه‌های آرایشی سروده‌های سید موسی طالقانی است. او در بخشی از اشعارش مدام امام حسین (علیه السلام) را مخاطب قرار می‌دهد. وی در این خطاب‌هایش از حرف ندای «أ» برای احساس نزدیک‌بودن بیشتر به امام حسین (علیه السلام) استفاده می‌کند؛ ادات «أ» برای منادی قریب به کار می‌رود. گاهی این حرف ندا برای منادای بعید به کار می‌رود که نشان از شدت حضور منادی در ذهن متکلم دارد که گویی از قلب او غایب نشده است (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۱۷):

أحسینُ هل یرضی إباؤک أنتی	أسبی وَ لا أسدُ العرینِ غضابُ؟
أحسینُ ما روضُ المکارمِ مُعشِبُ	والیومُ أقلعُ من نَداکَ سَحابُ
أحسینُ تلکَ حرائرُ الهادی کما	شاءَ العَدُوُّ بها القِفارَ تجابُ

(امریء القیس، ۲۰۰۴: ۵۰)

ای حسین! آیا عزت و غرور تو راضی می‌شود که من اسیر شوم و این شیر بیشه (امام حسین) خشمگین نشود؟

ای حسین! باغ بزرگواری پربار نیست و امروز ابر از بخشش تو بند آمده است.

ای حسین! آنها دختران آزاده پیامبر هدایتگرند که دشمن آنها را در بیابان‌ها می‌گرداند.

یکی از ابتکاراتی که سید موسی طالقانی برای مرثیه امام حسین (علیه السلام) به کار می‌برد ایستادن بر اطلال و دمن و یادکردن از آن حضرت است. وی می‌گوید اگر بر اطلال و دمن می‌ایستم برای تو است و اگر شاعران جاهلی گریه می‌کردند و دوستانشان آنها را به صبر دعوت می‌کردند، در اینجا دوستان نیز تحمل ندارند و گریه می‌کنند:

مُهَجِّجُ بَنِیرانِ الفِراقِ تُذابُ	فَیَجُودُ فیها لِلجُفونِ سَحابُ
إی وَالصَّبابةُ إِنْها هی مُهَجَّةٌ	ذَابَتْ عَشیةً وَدَعَّ الأَحبابُ
وَ لَکُم حَبَسْتُ عَلی الدِّیارِ مَطیَّتِی	وَ أَنْخَتُ فیها وَالْحُداةُ غَضابُ
وَ قَفْتُ فی الأطلالِ وَ قَفَّةً نَاشِدِ	ذابَ الجمادُ لَها وَ شابَ غرابُ
دَمَنُ کَسَتْها الدَّاریاتُ مُلابَساً	وَ لَهَنَ مِنْ حُلِّی البلی جِلَبابُ

بررسی اشعار سید موسی طالقانی، شاعر معاصر عراقی، در ... / ۲۴۹

وَدَعُوْتُ حَادِيَ الْعَيْسِ: تَلَكَّ دِيَارِهِمْ
قَفَرِي فَأَيْنَ تَحْمَلُ الْأَحْبَابَ؟

(همان: ۴۸)

قلب‌هایی با آتش دوری ذوب می‌شود و در آن ابری برای چشم‌ها بخشنده‌گی می‌کند.
آری دلدادگی همان قلبی است که هنگام وداع دوستان ذوب می‌شود.
و برای دیدن شما من بر اطلال و دمن می‌ایستم و شترم را می‌نشانم و در حالی که
ساربانان خشمگین‌اند.
در اطلال و دمن همچون فرد سراینده‌ای ایستادم به طوری که جمادات از شدت اندوه
ذوب شدند و کلاغ سیاه از شدت مصیبت پرهایش سفید شد.
آثار به‌جای مانده از محبوب از رهگذر بادهای وزنده همچون پوششی حفظ می‌شود، و
این آثار تن‌پوشی از پوسیدگی بر تن دارد.
ساربان شترها را فراخواندم و گفتم: آنجا جایگاه باقی مانده آنان است که خالی از سکنه
شده است. پس تحمل دوستان کجا است؟

۴. ۸. نقش تقدیر در شهادت امام حسین (علیه السلام)

طالقانی قضا و قدر را دلیل شهادت امام حسین (علیه السلام) می‌داند و معتقد است اگر قضای الاهی در
کار نبود هیچ کس یارای مقابله با آن حضرت را نداشت و ایشان تمام دشمنان را به هلاکت
می‌رساندند:

فَعَدَا مِنْ بَعْدِهِمْ سِبْلُ عَلِي الْمُرْتَضَى
يَحْطِمُ الْجَمْعَ بَعْضُ فِيهِ إِبْرَامُ الْقَضَا
صَاقَ فِي أَجْنَادِهَا مِنْ بَأْسِهِ رَحْبُ الْفَضَا
فَهُمْ لَوْلَا قَضَاءُ اللَّهِ كَانُوا هَالِكِينَ

(همان: ۶۴)

بعد از آن بچه شیر مرتضی امام حسین (ع) آن جمع را در هم می‌کوبید با نیش زبانی که
در آن حکم قضا و قدر را دارد.
به سبب شجاعتش وسعت فضا بر سربازان تنگ شده بود. اگر قضای الاهی نبود تمام آنها
هلاک شده بودند.

صَاقَ فِى أَجْنَادِهِمْ رَحْبُ الْفَضَا حِينَ شَبَّ الْحَرْبِ شِبْلُ الْمُرْتَضَى

(همان: ۴۹)

گسترش فضا را سربازانش تنگ کرده بودند هنگامی که شیربچه علی مرتضی جنگ را گرم کرد.

۹.۴. یاری از امام زمان (عج) برای انتقام خون امام حسین (علیه السلام)

سید موسی طالقانی در اشعارش از امام زمان (عج) برای انتقام خون امام حسین (علیه السلام) یاری می‌طلبد و شکایت‌هایش را به ایشان می‌گوید. بدیهی است آل یزید در عصر شاعر نابود شده‌اند و می‌توان این نوع سخن‌گفتن شاعر را، به گونه‌ای انتقاد از ظلم کنونی در زمان شاعر قلمداد کرد، که شاعر شاید به دلیل محافظه‌کاری یا شدت خفقان از بیان صریح استبداد خودداری کرده است:

أَيُّهَا الْغَائِبُ الْمَحْجَبُ يَفْدِيكَ تَلِيدِي وَ طَارِفِي وَ قَبِيلِي
... نَشْتَكِي إِلَيْكَ مَمَّا دَهَانَا مِنْ عَدَانَا فِي بُكْرَةٍ وَ أَصِيلِ
فَأَغْتَنَّا يَا بِنِ النَّبِيِّ فَقَدْ ضَاقَ بِحُورِ الْأَعْدَاءِ كُلِّ سَبِيلِ

(همان: ۵۸-۵۹)

ای غایب از نظر! تمام اموال تازه و کهنه‌ام و قبیله‌ام به فدای تو.
از مصیبتی که دشمنان ما صبح و شب بر سر ما آوردند، به تو شکایت می‌کنیم.
پس ای پسر پیامبر خدا! به یاری ما بیا که دریای دشمنان همه راه‌ها را گرفته است.

أَيَّنَ مَنْ يُرْجَى لِأَخْذِ الثَّارِ مِنْ أَهْلِ الْعِنَادِ حُجَّةَ اللَّهِ يَدِ اللَّهِ عَلَى كُلِّ الْعِبَادِ
... قُمْ فِدِينَاكَ إِلَيْنَا عَاجِلًا يَا بِنِ الْأَمِينِ طَالِبًا بِالثَّارِ مِنْ آلِ يَزِيدَ وَ زِيَادِ

(همان: ۵۱)

کجا است کسی که انتقام خون را از دشمنان بستاند؟ حجت خدا و دست او بر هر بنده‌ای است.

زود برخیز ای ما به فدای تو! ای پسر محمد امین! و برای خون‌خواهی از آل یزید و زیاد قیام کن.

نتیجه

موسی طالقانی، شاعر معاصر عراقی، در اشعارش به نحوی چشمگیر مقام امام حسین (علیه السلام) و مصائب عاشورا را توصیف کرده است. وی یکی از علمای دینی است و با بهره‌گیری از مطالعاتش در زمینه مناقب و فضیلت‌ها و سیره بزرگان دین اشعارش را بیان کرده است. اشعار وی درباره امام حسین (علیه السلام) سرشار از عاطفه واقعی و لبریز از احساس و درد است. زبان عاطفی اش به حدی است که پدیده‌های طبیعی را نیز عزادارِ غم و اندوه امام حسین می‌داند و معتقد است آنها در همدردی با خاندان نبوت مشارکت داشته‌اند که این پدیده را می‌توان به دو صورت تفسیر کرد: یا چون از مردم زمانه و عاطفه خشکشان ناامید می‌شود این‌گونه از این عناصر استفاده می‌کند، یا آنکه جهان‌شمولی این اتفاق را این‌گونه بر زبان جاری می‌کند. مضامینی که سید موسی طالقانی درباره امام حسین (علیه السلام) بیان کرده است انواع مختلفی دارد؛ گاه راه‌گذشتگان را می‌پیماید و گاه مسیری نو. شعرش در میان شعرای قبل از او شباهت فراوان به اشعار شریف رضی (از شعرای عصر عباسی) دارد و بیشترین تأثیر شعری او بر حبیبی، شاعر هم‌عصرش، است.

پی‌نوشت‌ها

۱. شریف رضی در سال (۳۵۹ ه.ق.) در بغداد به دنیا آمد. پدر و مادرش هر دو از سادات علوی و از نوادگان حسین بن علی (ع) بودند. نسبش از جانب پدر با پنج واسطه به موسی کاظم (ع)، امام هفتم شیعیان، می‌رسد. از این رو گاهی شریف رضی را «رضوی» می‌خوانند؛ و از طرف مادر نسبش با شش رابطه به علی بن حسین (ع)، امام چهارم شیعیان، می‌رسد. وی از شعرایی است که به سرودن مراثی درباره علویان همت گماشت و بخش مهمی از مراثی اش به امام حسین (ع) اختصاص دارد. از جمله مهم‌ترین کارهایش گردآوری نهج البلاغه است (فاخوری، ۱۹۹۸: ۶۶۴-۶۶۶).

۲. منازل و سراهای ویران بازمانده از معشوق که در اصطلاح عنوان «اطلال و دمن» به آنها اطلاق می‌شود، توجه شعرای فراوانی را در ادب عربی به خود جلب کرده است. شاعر هنگام عبور از کنار این مناظر مرکب خود را متوقف می‌کند و ویژگی‌های مکانی آنها را توصیف می‌کند که روزگاری محل اقامت دلبرش بوده، ولی اینک جز مشتی خاک و چوب یادگاری از او باقی نمانده است (زمردی و محمدی، ۱۳۸۴: ۷۴).

منابع

- آل طالقانی، محمدحسن (۱۹۵۷). مقدمه‌ای بر دیوان طالقانی، نجف: مطبعة القرى.
- افسری کرمانی، عبدالرضا (۱۳۷۱). نگرشی به مرثیه‌سرایی در ایران، تهران: اطلاعات.
- امریء القیس (۲۰۰۴). ال‌دیوان، إعتنی به و شرحه: عبد الرحمن المصطاوی، بیروت: دار المعرفة.
- امین مقدسی، ابوالحسن (۱۳۸۰). «مدح اهل بیت در دیوان بوسیری»، در: دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)، دوره ۴۶-۴۷، ش ۱۵۸-۱۵۹، ص ۲۱-۳۸.
- بلاوی، رسول؛ آباد، مرضیه (۱۳۹۲). «استدعاء شخصية الامام الحسين (ع) فی شعر یحیی السماوی»، در: الجمعية العلمية للغة العربية وآدابها، فصلية المحكمة، ش ۲۷، ص ۱-۱۶.
- جمالی بهنام، علی محمد (۱۳۸۰). «مبالغه و اغراق در مدياح متنبی»، در: دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)، ش ۱۵۸-۱۵۹، ص ۳۳۳-۳۵۴.
- الخیاط، جلال (۱۹۸۷). الشعر العراقي الحديث: مرحلة و تطور، بیروت: دار الرائد العربی.
- زمردی، حمیرا؛ محمدی، احمد (۱۳۸۴). «وصف اطلال و دمن در شعر فارسی و تازی»، در: دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)، دوره ۵۶، ش ۳، ص ۷۳-۹۳.
- زینی‌وند، تورج؛ سلیمانی، کامران (۱۳۹۰). «بررسی توصیفی و تحلیلی امام حسین (ع) در شعر دینی احمد وائلی»، در: نقد ادب معاصر عربی، س ۲، ش ۱، ص ۱۷۳-۲۰۳.
- سیاوشی، صابره؛ شکاری میر، مولا (۱۳۹۱). «شخصیت نمادین امام حسین (ع) در شعر شریف مرتضی»، در: ادب عربی، ش ۱، ص ۱۲۵-۱۴۶.
- سید مشکور الطالقانی، سید محمد حسن (بی‌تا). سلوة الکرام و نشوة المدام فی احوال اجداد و الأعمام، نجف: مطبعة القرى الحديثة.
- شریف رضی (۱۹۹۹). دیوان، شرحه و علق علیه و ضبطه و قدّم له: الدكتور مصطفى حلاوی، بیروت: بی‌نا.
- شیر، جواد (۲۰۰۱). أدب الطّف أو شعراء الحسين (ع)، بیروت: مؤسسة التاريخ.
- شوقی ضیف، احمد (۱۹۸۸). فنون الأدب العربی، القاهرة: دار المعارف.
- الطالقانی، سید موسی (۱۹۵۷). دیوان السید موسی الطالقانی، جمعه و حقیقه و قدم له و نشره: محمد حسن آل طالقانی، نجف: مطبعة القرى الحديثة.
- عرب‌خانی، رسول (۱۳۹۱). «مسئله تشیع عراق در زمان عبدالحمید دوم عثمانی»، در: پژوهش‌های علوم تاریخی، ش ۲، ص ۴۱-۶۲.
- الفاخوری، حنا (۱۹۹۸). تاریخ الأدب العربی، بیروت: دار العلم للملائين.
- میرزایی، فرامرز (۱۳۸۳). «قیام امام حسین (ع) و شعر نو ادبیات معاصر عربی»، در: علوم انسانی دانشگاه الزهراء، دوره ۱۴، ش ۵۲، ص ۱۳۱-۱۶۰.
- نورالدین، حسن (۱۹۸۸). عاشوراء فی الأدب العاملی المعاصر، بیروت: دار الاسلامیة.
- الهاشمی، احمد (۱۳۸۶). جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبدیع، قم: قدس.

References

- Afsari Kermani, Abd al-Reza. 1992. *Negareshi be Marthiyeh Sarayi dar Iran (A Look at Lamentation in Iran)*, Tehran: Information. [in Farsi]
- Al Taleghani, Mohammad Hasan. 1957. *Moghaddameh-yi bar Diwan Taleghani (An Introduction to Taleghani's Poetry Book)*, Najaf: Al-Ghora Press.
- Al-Fakhuri, Hana. 1998. *Tarikh al-Adab al-Arabi (History of Arabic Literature)*, Beirut: Institute of Science for Millions. [in Arabic]
- Al-Hashemi, Ahmad. 2007. *Jawaher al-Balaghah fi al-Maani wa al-Bayan wa al-Badi*, Qom: Ghods. [in Arabic]
- Al-Khayyat, Jalal. 1987. *Al-Sher al-Eraghi al-Hadith: Marhalah wa Tatawwor (Modern Iraqi Poetry: Stage and Development)*, Beirut: Arab Pioneer House. [in Arabic]
- Al-Taleghani, Sayyed Musa. 1957. *Diwan al-Sayyed Musa al-Taleghani*, Collected & Researched by Mohammad Hasan Al Taleghani, Najaf: Modern Villages Press. [in Arabic]
- Amin Moghaddasi, Abu al-Hasan. 2001. "Madh Ahl Bayt dar Diwan Busayri (Praise of the Prophet's Household in Busayri's Poetry Book)", in: *Faculty of Literature and Humanities (Tehran)*, yr. 46-47, no. 158-159, pp. 21-38. [in Farsi]
- Arabkhani, Rasul. 2012. "Masaleh Tashayyo Eragh dar Zaman Abd al-Hamid Dowwom Othmani (Shiism in Iraq during the Time of Abdol Hamid Osmani II)," in: *Historical Sciences Research*, no. 2, pp. 41-62. [in Farsi]
- Balawi, Rasul; Abad, Marziyeh. 1972. "Esteda Shakhsiyat al-Imam al-Hosayn (AS) fi Sher Yahya al-Samawi (Invoking the Personality of Imam Hosayn (AS) in the Poetry of Yahya al-Samawi)", in: *Scientific Society of Arabic Language and Literature*, no. 27, pp. 1-16. [in Arabic]
- Emrao al-Ghays. 2004. *Al-Diwan*, Prepared & Annotated by Abd al-Rahman al-Mostawi, Beirut: Knowledge House. [in Arabic]
- Jamali Behnam, Ali Mohammad. 2001. "Mobalegheh wa Eghragh dar Madayeh Motenabbi (Exaggeration in Mutnabi Praises)", in: *Faculty of Literature and Humanities (Tehran)*, no. 158-159, pp. 333-354. [in Farsi]
- Mirzayi, Faramarz. 2004. "Ghiyam Imam Hoseyn (AS) wa Sher No Adabiyat Moaser (The Uprising of Imam Hoseyn (AS) and the New Poetry of Contemporary Arabic Literature)", in: *Humanities of al-Zahra University*, yr. 14,

- no. 52, pp. 131-160. [in Farsi]
- Nur al-Din, Hasan. 1988. *Ashura fi al-Adab al-Ameli al-Moaser (Ashura in the Contemporary Literature of Ameli)*, Beirut: Islamic House. [in Arabic]
- Sayyed Mashkur al-Taleghani, Sayyed Mohammad Hasan. n.d. *Salwat al-Keram wa Nashwat al-Modam fi Ahwal Ajdad wa al-Amam*, Najaf: Modern Villages Press. [in Arabic]
- Sharif Razi. 1999. *Diwan*, Foreworded & Annotated by Dr. Mostafa Hallawi, Beirut: n.pub. [in Arabic]
- Shobbar, Jawad. 2000. *Adab al-Taf aw Shoara al-Hosayn (Al-Taf Literature or Poets of al-Hosayn)*, Beirut: History Institute. [in Arabic]
- Shoghi Zayf, Ahmad. 1988. *Fonun al-Adab al-Arabi (Arts of Arabic Literature)*, Cairo: Knowledge House. [in Arabic]
- Siyawashi, Sabereh; Shekari Mir, Mola. 2012. "Shakhsiyat Namadin Imam Hosayn (AS) dar Sher Sharif Morteza (The Symbolic Character of Imam Hosayn (AS) in the Poem of Sharif Morteza)", in: *Arabic Literature*, no. 1, pp. 125-146. [in Farsi]
- Zeyniwand, Turaj; Soleymani, Kamran. 2011. "Barresi Tosifi wa Tahlili Imam Hosayn (AS) dar Sher Dini Ahmad Waeli (Descriptive and Analytical Study of Imam Hosayn (AS) in the Religious Poetry of Ahmad Waeli)", in: *Critique of Contemporary Arabic Literature*, yr. 2, no. 1, pp. 173-203. [in Farsi]
- Zomorrodi, Homeyra; Mohammadi, Ahmad. 2005. "Wasf Etlal wa Daman dar Sher Farsi wa Tazi (Description of Ruins and Meadows in Persian and Tazi Poetry)", in: *Faculty of Literature and Humanities (Tehran)*, yr. 56, no. 3, pp. 73-93. [in Farsi]